دیدار شرکت کنندگان در افتتاحیه‌ی همایش غزه - 8 /اسفند/ 1388

بسم‌الله‌الرّحمن‌الرّحیم

خوشامد عرض میکنم به همه‌ی شما مهمانان عزیز، برادران و خواهر محترممان. و از خداوند متعال متضرعانه مسئلت میکنم که ما و شما را موفق بدارد بر ادامه‌ی این راه و ادامه‌ی این کار بسیار بزرگ. از برادران عزیزی که این گردهمائی را در تهران به راه انداختند هم تشکر میکنیم و امیدواریم ان‌شاءالله این اجتماع شما دوستان، گامی به جلو باشد.

اولاً لازم میدانم که از ملت فلسطین و مردم غزه یك تشکر و تقدیر شایسته‌ای بکنم. آنچه که ذکر کردید از پیشرفتهای مقاومت و استحکام مواضع فلسطین در این سالهای اخیر، ممکن نمیشد اگر این ایستادگی عظیم ملت فلسطین نبود. حقاً، انصافاً، مردم فلسطین، مردم غزه در تاریخ، نام خودشان را به عنوان مقاوم‌ترین ملتها ماندگار کردند.

آنچه که بر مردم فلسطین گذشته است، در طول این چند سال اخیری که انتفاضه‌ها شروع شده و مقاومت واقعی شکل گرفته، یك پدیده‌ی عجیبی است. این، جز هدایت الهی و دستگیری الهی چیز دیگری نیست. انسان می‌بیند در غزه این همه مصیبت، این همه تلخی، این همه فشار ؛ چه در طول آن بیست و دو روزی که جنگ بود، چه بعد از آن تا امروز - که مصائب پشت سر هم بر مردم وارد میشود - اما این مردم مثل کوه ایستاده‌اند. این خیلی واقعیت عظیمی است ؛ این را نمیشود ندیده گرفت.

من عرضم این است که این استقامت را، این روحیه را باید در مردم هر چه میتوانید پایدار کنید. شما گفتید و درست هم گفتید: تنها راه حل مسئله‌ی فلسطین، مقاومت است و مبارزه است. این، درست است ؛ لکن این مقاومت و مبارزه، متوقف است بر حفظ روحیه‌ی این مردم، حفظ امید این مردم، نگه داشتن مردم در صحنه. این، به نظر من بزرگ‌ترین کاری است که مجموعه‌های فلسطینی و سازمانهای فلسطینی، مبارزان فلسطینی باید انجام بدهند. این فشارهائی که امروز از هر دو طرف، چه از طرف دشمن صهیونیست، چه از آن طرف، بر غزه وارد میشود، به قصد این است که مردم را از مقاومت روگردان کنند. فشارهائی که در ساحل غربی بر مردم وارد میشود ؛ چه در شهرك‌سازی‌ها، چه در مسئله‌ی قدس - که ایشان بیان کردند - چه آن سختگیری‌های عجیب، چه در دیوار حائل و امثال اینها، برای این است که مردم را از مقاومت روگردان کنند و به سمت گزینه‌ی تسلیم، سوق بدهند. نباید بگذاریم ؛ نباید بگذارید که این اتفاق بیفتد. مردم فلسطین را، مردم غزه را، این ملت مقاوم و پولادین را باید امیدوار نگه دارید و بدانند که این حرکت عظیم آنها به نتیجه خواهد رسید. این، یك نکته است که به نظر من خیلی مهم است.

نکته‌ی دیگر این است که ما آنچه که در قضیه‌ی فلسطین از پیشرفت مشاهده میکنیم - که این پیشرفت قابل انکار نیست - اقتدار روزافزون جبهه‌ی مقاومت در مقابل جبهه‌ی استکبار و کفر است که امر مشهود و واضحی است. آنچه در این زمینه ملاحظه میشود، ناشی از ایمان به خدا و توکل به خدا و وارد کردن عنصر معنویت در مبارزه است. اگر یك مبارزه با عنصر ایمان همراه نباشد، آسیب‌پذیر میشود. آن وقتی مبارزه موفق خواهد شد که در او ایمان به خدا و توکل به خدا وجود داشته باشد. روحیه‌ی دین را و ایمان حقیقی به وعده‌ی الهی و توکل به خدای متعال را باید در مردم تقویت کنید ؛ حسن‌ظن به خدای متعال و به وعده‌ی الهی را باید در مردم تقویت کنید. خود ما هم بایستی به خدای متعال حسن‌ظن داشته باشیم. خدای متعال اصدق القائلین است ؛ او به ما میگوید: «لینصرنّ اللّه

من ينصره» ؛ (1) او به ما ميفرمايد كه: «من كان للّه كان اللّه له» ؛ او ميگويد كه: از دشمن نهراسيد، «ان كيد الشّيطان كان ضعيفا». (2) او به ما اين را تلقين ميكند ؛ بيان ميكند. خداوند متعال صادق است. ما اگر به وظيفه‌ى خودمان در اين راه عمل بكنيم، براى خدا حركت كنيم، براى خدا مبارزه كنيم، هدف را رضاى خدا قرار بدهيم، بدون شك پيروزى نصيب خواهد شد.

من به شما عرض كنم: پيروزى ملت فلسطين در بازگرداندن حق خود، دشوارتر نيست از پيروزى‌اى كه ملت ايران در ايجاد جمهورى اسلامى در ايران داشت. آن روز - روزى كه طاغوت بر اين كشور حكومت ميكرد - اگر كسى نگاه ميكرد به صحنه‌ى عالم و به صحنه‌ى منطقه، جزو محالات قطعى بود كه رژيم طاغوت در اينجا تغيير پيدا كند، آن هم اينكه تبديل بشود به يك نظام اسلامى. اين، جزو محالات به نظر مى‌آمد و به حسب موازين طبيعى، به حسب موازين عادى، چنين چيزى ممكن نبود ؛ مقدور نبود. قدرت بى‌كلام آمريكا در اين منطقه و حمايت بى قيد و شرطش از رژيم شاه، نداشتن هيچ گونه امكانى براى مبارزين در اينجا - يعنى امكانات ما آن روز در حال مبارزه، بسيار كمتر بود از امكاناتى كه امروز مردم شما در غزه دارند يا در ساحل غربى دارند - در عين حال اين اتفاق افتاد، اين محال ممكن شد و واقع شد ؛ به بركت تداوم مبارزه، به بركت توكل به خدا، به بركت رهبرى عازم و جازم و قاطع امام بزرگوارمان. من ميگويم اين اتفاق در مورد فلسطين ممكن است پيش بيايد. بعضى نگاه ميكنند به صحنه، قدرت آمريكا را نگاه ميكنند، پشتيبانى غرب را از صهيونيستها نگاه ميكنند، قدرت شبكه‌هاى مالى صهيونيستها را در آمريكا و در ساير نقاط عالم مى‌بينند، قدرت تبليغاتى‌شان را مى‌بينند، به نظرشان مى‌آيد كه برگرداندن فلسطين به فلسطينى‌ها يك امر ناممكنى است. من ميگويم نه، اين امر ناممكن، ممكن خواهد شد ؛ به شرط ايستادگى و استقامت. خداى متعال ميفرمايد كه: «فلذلك فادع و استقم كما امرت». (3) استقامت لازم است، ايستادگى لازم است، ادامه دادن راه لازم است. اين ادامه دادن راه، يكى از مقدماتش همين گردهمائى‌هاى شماست، هماهنگى‌هاى شماست، تبليغات جهانى شماست ؛ همين حرفهائى كه آقايان زديد و همه درست است. اين پيشنهادها همه لازم است و همه درست است ؛ اينها لازم است. افكار عمومى دنيا را اينها مسموم كردند.

امروز آمريكا و غرب در قضيه‌ى فلسطين و در بسيارى از قضاياى ديگر صريحاً دارند دروغ ميگويند ؛ صريحاً دروغ ميگويند. فاجعه‌ى عظيمى مثل فاجعه‌ى غزه را در جنگ 22 روزه وارونه وانمود ميكنند. بايد به اين توجه كنيم. اين را ميخواهم يادآورى كنم. امروز غزه و فلسطين عرصه‌ى رسوائى غرب است. غرب با ادعاى حقوق بشر بزرگ‌ترين و فجيع‌ترين نقض حقوق بشر را در غزه نديده گرفته. تا روزهاى متمادى غربى‌ها در سال گذشته يك كلمه حرف به نفع مردم غزه و در دفاع از آنها نزدند. روزهاى متمادى پشت سر هم ميگذشت، ما هى گوشمان بود ببينيم آيا از اروپا - از آمريكا كه هيچ - از سازمانهاى حقوق بشر، از سازمانهاى به اصطلاح مدافع آزادى، يك كلمه حرف به نفع مردم غزه صادر ميشود؟ نميشد. بعد از آنى كه سر و صداى مردم بلند شد، مردم در كشورهاى مختلف سر و صدا كردند، راهپيمائى كردند، تظاهرات كردند، حرف زدند، رسوائى بالا گرفت، شروع كردند به حرف زدن ؛ فقط حرف! غرب هيچ گونه حمايتى از مردم غزه نكرد ؛ در مقابل يك چنين فاجعه‌ى عظيمى كه جلوى چشم همه داشت اتفاق مى‌افتاد. تا امروز هم باز غرب در همان مواضع است. سازمان ملل خودش را رسوا كرد. آمريكا رسوا بود و رسواتر شد. با اينكه اين گزارش گلدستون در آمده است و همه از او مطلع شدند. امروز بايستى سران جانى و مجرم رژيم صهيونيستى بيايند پاى محاكمه و بايد مجازات بشوند ؛ ولى هيچ خبرى نيست، هيچ اقدامى انجام نميگيرد ؛ بلكه حمايتها از دولت غاصب و دولت جعلى صهيونيستى باز هم بيشتر ميشود! اينها غرب را رسوا كرد. آمريكا با اين دولت جديد و رئيس جمهور جديد، ادعا كرد ميخواهد تغيير به وجود بيايد. شعار تغيير براى اين بود كه بى‌آبروئى و بدنامى آمريكا در اين منطقه‌ى اسلامى، يك مقدارى بلكه ترميم بشود ؛ اما نتوانستند ترميم كنند و بدانند كه تا آخر نخواهند توانست ترميم كنند ؛ چون دروغ ميگويند ؛ چون صريحاً به مردم دارند دروغ ميگويند. آنها در خيلى از قضايا دروغ ميگويند. حالا ما كه در جمهورى اسلامى هستيم، دائماً داريم دروغهاى اينها را مى‌بينيم و ميشنويم. واژگونه كردن

حقایق و وارونه نشان دادن واقعیات، سی سال است که جلوی چشم ماست و ما به این عادت کردیم ؛ لکن دنیا قضاوت خواهد کرد، تاریخ قضاوت خواهد کرد. امروز تمدن غرب - من به شما عرض بکنم - در مقابل قضیه‌ی فلسطین به چالش کشیده شده. امروز دعوی لیبرال دمکراسی غرب زیر سؤال رفته. یعنی شما در فلسطین به خاطر مقاومتتان، یك ادعای چند صد ساله‌ی غرب را، که به وسیله او به دنیا تحکم میکرد، به زیر کشیدید و این ادعا را باطل کردید. مقاومت این قدر مهم است و عظیم است ؛ این مقاومتی که شما دارید انجام میدهید.

مسئله‌ی غزه مسئله‌ی یك تکه سرزمین نیست ؛ مسئله‌ی فلسطین فقط مسئله‌ی جغرافیا نیست ؛ مسئله‌ی بشریت است ؛ مسئله‌ی انسانیت است. امروز مسئله‌ی فلسطین شاخص میان پایبندی به اصول انسانی و ضدیت با اصول انسانی است. مسئله این قدر اهمیت دارد. آمریکا هم از این معامله زیان خواهد دید بلاشك. این چیزهای تاریخی، ده سال و بیست سال و سی سال در تحولات تاریخی مثل یك لحظه است ؛ به‌زودی خواهد گذشت. قطعاً تاریخ آمریکا و آینده‌ی آمریکا مغلوب این حرکتی خواهد شد که در این پنجاه شصت سال اخیر آمریکائی‌ها در رابطه‌ی با مسئله‌ی فلسطین انجام دادند. مسئله‌ی فلسطین مایه‌ی بدنامی آمریکا در طول قرنهای متمادی در آینده خواهد بود. فلسطین آزاد خواهد شد ؛ در این هیچ شبهه‌ای نداشته باشید. فلسطین قطعاً آزاد خواهد شد و به مردم بر خواهد گشت و در آنجا دولت فلسطینی تشکیل خواهد شد ؛ در اینها هیچ تردیدی نیست ؛ اما بدنامی آمریکا و بدنامی غرب برطرف نخواهد شد. اینها همچنان بدنام خواهند بود. شکی نیست که بر اساس حقایقی که خدای متعال تقدیر کرده است، خاورمیانه‌ی جدید شکل خواهد گرفت. این خاورمیانه، خاورمیانه‌ی اسلام خواهد بود ؛ کما اینکه مسئله‌ی فلسطین یك مسئله‌ی اسلامی است. همه‌ی ملتها در مقابل فلسطین مسئولند. همه‌ی دولتها در مقابل فلسطین مسئول هستند ؛ چه دولتهای مسلمان، چه دولتهای غیر مسلمان. هر دولتی که ادعای طرفداری از انسانیت را دارد، مسئول است ؛ منتها وظیفه‌ی مسلمانها وظیفه‌ی سنگین‌تری است. دولتهای اسلامی موظفند و باید به این وظیفه عمل بکنند و هر دولتی که به وظیفه‌ی خود در قضیه‌ی فلسطین عمل نکند، لطمه‌ی آن را خواهد دید ؛ چون ملتها بیدار شدند و از دولتها مطالبه میکنند و دولتها مجبورند نسبت به این قضیه تن بدهند و تسلیم بشوند.

ما در جمهوری اسلامی مسئله‌ی فلسطین برایمان یك مسئله‌ی تاکتیکی نیست، یك استراتژی سیاسی هم نیست، مسئله‌ی عقیده است، مسئله‌ی دل است، مسئله‌ی ایمان است. لذاست که بین ما و بین مردممان در این زمینه هیچ گونه فاصله‌ای وجود ندارد ؛ همان قدر که ما برای مسئله‌ی فلسطین اهتمام قائلیم، مردم ما هم - آنهائی که میدانند مسئله‌ی فلسطین چیست که اکثریت عظیم ملت ما، بلکه قاطبه‌ی ملت ما هستند - همان انگیزه را دارند. و شما مشاهده میکنید در روز قدس و در جمعه‌ی آخر ماه رمضان هر سال، که امام آن را به عنوان روز قدس معین کردند، مردم می‌آیند در شهرهای بزرگ، در شهرهای کوچك، حتّی در روستاها، مثل راهپیمائی 22 بهمن - 22 بهمن یادآور و سالگرد پیروزی انقلاب ماست که یك مسئله‌ی مربوط به خود ملت و داخل کشور است - همان احساسات را به خرج میدهند ؛ همان حضوری را نشان میدهند که در روز 22 بهمن نشان میدهند. در روز قدس هم مردم در همه‌ی شهرهای کشور، در همه‌ی شهرهای بزرگ و کوچك و روستاها، می‌آیند در خیابانها ؛ هوا گرم باشد، هوا سرد باشد ؛ و حضور خودشان و انگیزه‌ی خودشان را نشان میدهند. بدانید اگر ما - ما که مسئولین کشور هستیم - جلو مردم را نمیگرفتیم، بسیاری از جوانهای ما راه می‌افتادند برای اینکه با جسم خودشان و با تن خودشان هم در عرصه‌ی فلسطین حضور داشته باشند. در قضیه‌ی غزه جوانهای ما به فرودگاه رفتند، هر کار هم میکردند، نمی‌آمدند ؛ با پیغام من برگشتند. اگر من پیغام نمیدادم، از فرودگاه برنمیگشتند. میگفتند ما را ببرید که ما برویم غزه ؛ خیال میکردند که میتوانند خودشان را به غزه برسانند. این، انگیزه‌ی جوانهای ماست. مسئله‌ی غزه و مسئله‌ی فلسطین، مسئله‌ی ماست ؛ مسئله‌ی اسلامی ماست ؛ مسئله‌ی همه‌ی مسلمین است و وظیفه‌ی ماست. آنچه که انجام هم میدهیم، وظیفه‌ی ماست ؛ بر کسی هم منت نداریم ؛ وظائفمان را انجام دادیم. از خدای متعال هم میخواهیم که کمك کند، بتوانیم وظائف را انجام بدهیم ؛ لکن شما دوستانی که اینجا حضور دارید، روی همین حرفهائی که این آقایان زدند:

اینی که اصل، مبارزه است ؛ اینکه هیچ راه حلی جزو مقاومت در قضیه‌ی فلسطین وجود ندارد، روی این حرفها ایستادگی کنید. این حرفها را صریحاً بزنید ؛ نگذارید مجاملات سیاسی و جوسازی‌های سیاسی بر این منطق غلبه پیدا کند. هر کسی از فلسطینی‌ها که از راه مقاومت پایش را کنار گذاشت، ضرر کرد. اسرائیل در خواست صلح صادق نیست ؛ اگرچه اگر صادق هم بود، غلط میکرد و او در اینجا حق ندارد ؛ اما صادق هم نیست. آن کسانی که در راه مذاکره وارد شدند، مجبور شدند تحمیلات دشمن را قبول کنند. اگر یك لحظه پایشان را از مسیر تحمیلات دشمن دور گذاشتند، یا حذف شدند یا تحقیر شدند ؛ که شما نمونه‌های هر دواش را ملاحظه کردید و دیدید. بعضی‌ها را حذف کردند، بعضی‌ها را هم تحقیر و تدریء (4) کردند. راه قدس، راه فلسطین، راه نجات مسئله‌ی فلسطین و حل مسئله‌ی فلسطین، جز راه مبارزه نیست، که آقایان این را گفتند و من خوشحالم از اینکه می‌بینم این مسئله در جمع شماها مورد اتفاق است و همه آن را قبول دارید. آن کسی که این راه را قبول ندارد، چه دانسته و چه ندانسته، دارد به مسئله‌ی فلسطین ضربه میزند. اگر دانسته باشد، اسمش خیانت است ؛ اگر ندانسته باشد، اسمش جهل و غفلت است ؛ علی‌ای‌حال ضربه است به مسئله‌ی فلسطین ؛ ضربه میزنند به مسئله‌ی فلسطین. فلسطین هیچ راهی جز مقاومت ندارد ؛ این را باید بگویند، باید بخواهند ؛ دولتهای اسلامی هم باید همین را تکرار کنند. البته بسیاری از دولتهای عرب، در قضیه‌ی غزه و قبل از او در قضایای دیگر، امتحان بسیار بدی دادند ؛ بسیار امتحان بدی دادند. هر وقت صحبت مسئله‌ی فلسطین شد، هی گفتند مسئله‌ی فلسطین مسئله‌ی عربی است! آن وقتی که وقت عمل آمد، مسئله‌ی فلسطین بکلی از همه‌ی معادلاتشان حذف شد و به جای اینکه به فلسطین کمك کنند، به فلسطینی کمك کنند، به برادر عرب خودشان کمك کنند - اگر به اسلام هم عقیده ندارند، اقلاً به عربیت خودشان پابند باشند - همه از میدان عقب کشیدند! بسیار امتحان بدی دادند. اینها هم در تاریخ خواهد ماند. و این سزاها و جزاها مربوط به آخرت فقط نیست، در دنیا هم اینجور است. همچنانی که نصرت خداوند نسبت به شماها که دارید مبارزه میکنید، مال آنجا نیست. در همین آیه‌ای که خواندند - که آقای خالد مشعل هم تکرار کردند - ملائکه میگویند: «نحن اولیاؤکم فی الحیاة الدّنیا و فی الاخرة». (5) بنابراین فقط برای آخرت نیست، در دنیا هم ملائکة اللّه، فرشتگان الهی و قوای معنوی الهی کمك میکنند آن کسانی که: «قالوا ربّنا اللّه ثمّ استقاموا». (6) اینها کمك میکنند.

حالا این کمك آنها را ما در دنیا به چشم داریم می‌بینیم ؛ به چشم خودمان داریم مشاهده میکنیم و می‌بینیم. ملائکة اللّه به ما هم در دفاع هشت ساله‌مان کمك کردند ؛ ما این کمك را به چشم خودمان دیدیم. حالا یك آدم غرق در مادیات باور نمیکند، خب نکند ؛ ما این کمك را دیدیم. امروز هم ملائکة اللّه دارند به ما کمك میکنند ؛ امروز هم به کمك الهی است که ما ایستادیم. ما نیروی نظامی‌مان با آمریکا قابل مقایسه نیست ؛ نیروی اقتصادی‌مان، امکانات مالی‌مان، امکانات تبلیغاتی‌مان، گستره‌ی فعالیت سیاسی‌مان با آمریکا قابل مقایسه نیست ؛ اما در عین حال ما قوی‌تر از امریکائیم. با اینکه او پولدارتر است، او مسلح‌تر است، او امکانات تبلیغاتی‌اش بیشتر است، او امکانات مالی و سیاسی‌اش بیشتر است ؛ اما در عین حال او ضعیفتر است و ما قویتریم. دلیل قویتر بودن ما این است که در همه‌ی این میدانهائی که ما و امریکا با هم مواجهیم، او قدم به قدم عقب‌نشینی میکند ؛ ما عقب‌نشینی نمیکنیم ؛ ما جلو میرویم. این، نشانه ؛ این به برکت اسلام است ؛ این به برکت کمك الهی و کمك ملائکة اللّه است. ما به اینها اعتقاد داریم، اینها را باور داریم، اینها را به چشم خودمان داریم می‌بینیم. و ان‌شاءاللّه آن روزی را که قدس شریف، علی‌رغم این دغدغه‌هائی که در مورد قدس بیان کردند - که یك دغدغه‌های واقعی است - به دست مسلمانها بیفتد، شاید خیلی از شماها آن را ببینید ؛ ما باشیم یا نباشیم ؛ به هر حال این را یك روزی مردم فلسطین و مردم دنیا مشاهده خواهند کرد.

مجدداً از شماها تشکر میکنم و خوشحالم از اینکه جمع شما را اینجا ملاقات کردیم. حرف ما و شما خیلی زیاد است ؛ ما حرفمان با این دقائق تمام نمیشود ؛ منتها ظهر است و دیگر، وقت نماز است و باید برویم. ان‌شاءاللّه امیدوارم که همه‌تان موفق و مؤید باشید.

والسّلام علیکم و رحمةاللّه و برکاته

1) حج: 40
2) نساء: 76
3) شوری: 15
4) تدریء: دور کردن و گمراه کردن
5) فصلت: 31
6) فصلت: 30